

[illegible]

تلاشگر

حالا چی بنویسم؟

علیرضا رافعتی

روزنامه‌نگار

❗ مادرها یک سوال همیشگی دارند آن هم این است: حالا چی درست کنم؟! صبح که از خواب بیدار می‌شوند این سوال را با خودشان و اطرافیان تکرار می‌کنند تا بالاخره چیزی برای ناهار حاضر کنند و بعد ناهار هم دوباره همین سوال را تا شب تکرار

گفت‌وگو با رضا فیاضی و عادل بزدوده  
در سالروز درگذشت دنیا فنی‌زاده

# مادر عروسک‌ها

کافه  
میرداماد

امید مهدی‌نژاد

به جمعی عروسک که دل مردم با دیدنشان و اتفاقاتی که برایشان رخ می‌داد به اصطلاح ضعف می‌رفت. کلاه قرمزی با آن حرکات منحصر به فرد دستانش و صدایی که کمی تودماغی بود، محبوب شد و خیلی زود مردم متوجه شدند گوینده صدای او، حمید چبلی است اما تا هشت دی که ۹۵ خیر

عکس: مهر

میلاد

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگار

ستون نویسنده‌ها و خبرنگاران رسانه‌های روزانه مثل روزنامه هم‌همین‌طورند. صبح که از خواب بیدار می‌شوند و راه می‌افتند به سمت دفتر تحریریه مدام با خودشان تکرار می‌کنند: حالا چی بنویسم؟ سایتهای خبری را بالا و پایین می‌کنند. خبرهای جدید را می‌خوانند و خلاصه مدام دنبال سوژه‌اند که برای مخاطبشان تعریف کنند.

خبرهای روز را خوانده بودم و چیز درشتی دستم را نگرفته بود. همین‌طور که داشتم زیر لب تکرار می‌کردم که حالا چی بنویسم، وارد مغازه شدم و خریدم را از روی قفسه برداشتم و گذاشتم روی پیشخوان. وقتی آقای فروشنده که آشنای قدیمی و خانوادگی‌مان است سلام کرد تازه به خودم آمدم که آنقدر درگیر سوژه برای نوشتن بودم که سلام نکردم.

ستون نویسنده‌ها و خبرنگاران رسانه‌های روزانه مثل روزنامه هم‌همین‌طورند. صبح که از خواب بیدار می‌شوند و راه می‌افتند به سمت دفتر تحریریه مدام با خودشان تکرار می‌کنند: حالا چی بنویسم؟ سایتهای خبری را بالا و پایین می‌کنند. خبرهای جدید را می‌خوانند و خلاصه مدام دنبال سوژه‌اند که برای مخاطبشان تعریف کنند.

خبرهای روز را خوانده بودم و چیز درشتی دستم را نگرفته بود. همین‌طور که داشتم زیر لب تکرار می‌کردم که حالا چی بنویسم، وارد مغازه شدم و خریدم را از روی قفسه برداشتم و گذاشتم روی پیشخوان. وقتی آقای فروشنده که آشنای قدیمی و خانوادگی‌مان است سلام کرد تازه به خودم آمدم که آنقدر درگیر سوژه برای نوشتن بودم که سلام نکردم.

عکس‌ها: فارس